



پرهیز از سیاه‌نمایی انتخاباتی

سیدابراهیم رئیسی، رئیس جمهوری، صبح چهارشنبه دوم اسفند ۱۴۰۲ در جلسه هیئت دولت در بخشی از صحبت‌های خود با اشاره به نزدیک شدن به روز برگزاری انتخابات مجلس شورای اسلامی و مجلس خبرگان رهبری، با تأکید بر ضرورت تلاش همگانی برای برگزاری هر چه پرشورتر این رویداد مهم گفت: «توجه به قانون، رعایت اخلاقی انتخاباتی و اتخاذ رویکرد امیدآفرین و پرهیز از سیاه‌نمایی مورد توجه همه کسانی باشد که در عرصه انتخابات و تبلیغات انتخاباتی فعالیت می‌کنند.» رئیس جمهوری با بیان این که «نظام جمهوری اسلامی در ۴۵ سال گذشته خدمات و دستاوردهای ارزشمندی داشته که باید پاس داشته شوند»، گفت: «حفظ وحدت و انسجام ملی یکی از مهمترین ضرورت‌ها در عرصه تبلیغات انتخاباتی است و اساساً خود انتخابات باید یکی از جلوه‌های مهم و بزرگ انسجام ملی باشد.» رئیسی در ادامه صحبت‌های خود با اشاره به برگزاری نمایشگاه رسانه‌های ایران گفت: «برگزاری نمایشگاه رسانه‌های ایران در آستانه برگزاری انتخابات، اقدامی شایسته و زمینه‌ساز ایجاد فضای تضارب‌آرا و اندیشه‌ها و گفت‌وگو است که می‌تواند زمینه‌ساز برگزاری پرشورتر انتخابات باشد تا بزرگ‌ترین دیگری به دفتر حماسه‌آفرینی‌های ملت ایران افزوده شود.»



شرایط برای رقابت واقعی فراهم شده است

احمد وحیدی، وزیر کشور در حاشیه بیست‌وچهارمین نمایشگاه رسانه‌های ایران در پاسخ به سوال ایرنا درباره مشارکت گروه‌های اصلاح طلب در انتخابات یازدهم اسفند گفت: «نزدیک به ۱۵ هزار نفر از قشرهای فرهیخته و توانمند، داوطلب انتخابات دوازدهمین دوره مجلس شورای اسلامی شدند. این داوطلبان با سلیق و گروه‌های مختلف سیاسی هستند که در قشرهای مختلف مردمی حضور دارند.» وی تأکید کرد: «توصیه ما به آنها این است که همگی فعال باشند تا حضور گروه‌های متبوع‌شان را در حوزه قانون‌گذاری در مجلس دنبال کنند.» وزیر کشور افزود: «همین برای یک رقابت واقعی فراهم است و جریان‌های سیاسی باید مسئولانه به میدان بیایند. هم‌اکنون زمان حضور احزاب است. احزاب بدون حضور در انتخابات هلسنه و جودی خود را زیر سوال می‌برند. چرا که نقطه اوج‌شان زمان انتخابات است.» وحیدی ادامه داد: «به احزاب مختلف توصیه می‌کنیم حضور پیدا کنند و با سلیق مختلف، پاسخگوی نیازهای مردم باشند. مبنای انتخابات، مبنای طرح‌ها و ایده‌ها است؛ برنامه‌هایی که برای یک ایران قوی دارند، در قالب قانون‌گذاری دنبال کنند.» وزیر کشور مردم‌سالاری را مبنی بر حضور مردم دانست و گفت: «حضور مردم در صحنه از اول انقلاب مبنای جمهوری اسلامی بوده و حضور مردم همواره مسائل را جلو برده است. بنابراین مردم در جمهوری اسلامی، حقیقت واقعی هستند.» وحیدی گفت: «حرف از مردم، تاکتیکی نیست بلکه واقعی و راهبردی است. بنابراین حضور مردم تعیین‌کننده است که مردم کسی هستند که کشور را می‌سازند و پیشرفت ایجاد می‌کنند.» وزیر کشور اضافه کرد: «لذا مردم با حضور و مشارکت خودشان، مثل دفعات قبل و همه صحنه‌های دیگر، ایران قوی را می‌سازند. پیام‌های ما امیدکننده‌ای به دشمنان می‌دهند که نمی‌توانند در دل مردم جایز کرده و دل دوستان خود را شاد می‌کنند.» وی همچنین روز گذشته در جمع عوامل اجرایی انتخابات در استان لرستان تأکید کرد: «فراهم ساختن شرایط برای رای دادن همه افراد، وظیفه ستاد انتخابات استان است.» وزیر کشور همچنین با اشاره به تأییدات رهبر انقلاب بر سلامت و امنیت انتخابات که تکلیف مجریان است، اظهار کرد: «سلامت انتخابات برعهده مجریان، نامزدها و رای‌دهندگان است. علاوه بر مجریان که حق دخالت در رای ندارند، نامزدها و رای‌دهندگان هم نباید خلاف قانون رفتار کنند.» وحیدی خطاب به عوامل اجرایی انتخابات گفت: «امانت بزرگی در دستان شما است؛ باید در یک حرکت جمعی و متعهد، این امر بزرگ را به بهترین وجه به مقصد برسانیم.» وحیدی افزود: «اصدوق‌های بسیار باید به میزانی در یک مکان بمانند که همه افراد رای بدهند.»



رابطه «بنایار تیسیم و جامعه» و رویکرد «یکدست‌سازی حاکمیت» در سالگرد کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹

بنایار تیسیم ایرانی



عکس: موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران

فراغه در مصر باستان می‌پنداشت و هر روز شکایت می‌کرد که چرا وی را به انجام کارهای پر مشقتی در معادن طلای حبشه گماشته‌اند... و چنین می‌نالد: «می‌بینید! این بلاها را سر من می‌آورد، سر من شهروند آزادزاده بریتانیای کبیر، تا برای فرعون‌ها طلا استخراج کنم» و ملت فرانسه هم می‌گوید: «برای آنکه قرض‌های خانواده بنایارت را بپردازند، ببینید چه بلایی سر ما می‌آورد.» آن دیوانه انگلیسی، تا عقلش سر جایش بود، نمی‌توانست از فکر استخراج طلا دست بردارد، فرانسویان هم از وقتی که انقلاب کرده‌اند، نتوانسته‌اند از خاطره‌های ناپلئونی خود جدا شوند. انتخابات ۱۰ دسامبر ۱۸۴۸ شاهدی بر همین مدعا است. آنها آرزوی می‌کردند برای پرهیز از خطرات انقلاب به کماجدان‌های پرگوش مصری برگردند، و جواب‌شان ۲ دسامبر ۱۸۵۱ بود: آن چیزی که گیرشان آمد فقط کاریکاتوری از ناپلئون پیر نیست، بلکه خود ناپلئون پیر است، گرم به صورت همان کاریکاتوری که در میانه قرن ۱۹ ناگزیر می‌بایست باشد... انقلاب فوریه حمله‌ای غیرمنتظره بود که جامعه کهن را غافلگیر کرد. مردم این ضرب شست را، همچون رویدادی تاریخی، گشاینده دورانی جدید تلقی کردند تا ۲ دسامبر، که انقلاب یا تردستی در خور یک قهقه‌بار روده شد. [نتیجه آن] آن چیزی که به نظر می‌رسد واژگون گردیده سلطنت نیست، امتیازهای لیبرالی است... ضرب شست فوریه ۱۸۴۸، ضرب سر دسامبر ۱۸۵۱ بود.»

داستان مرتبط با نظریه «هجدهم برومر لویی بنایارت» کارل مارکس به دوران انقلاب دوم فرانسه بازمی‌گردد. آن زمان که در جریان انقلاب ۱۴۸۴ لویی فیلیپ که سختگیری‌ها و برنامه‌هایش در محدودسازی شکل‌های سیاسی و فعالیت‌صنعتی تشدیدکننده نارضایتی‌ها شده بود، سقوط می‌کند و جمهوری دوم فرانسه شکل می‌گیرد. این انقلاب موجب می‌شود که در ابتدا حکومتی با حضور حقوق‌دانان و روزنامه‌نگاران سوسیالیست مثل لامارتین، لدورولون و لویی بلان شکل بگیرد. در همین حال قانون اساسی جمهوری به تصویب می‌رسد و حق رای را برای مردان بالای ۲۱ سال به رسمیت می‌شناسند. آنچه در ادامه رخ می‌دهد اما سرنوشت نامیمون برای یک انقلاب بود، چنانچه در پی این تحولات در نهایت در انتخابات ریاست جمهوری که در ۱۰ دسامبر ۱۸۴۸ برگزار می‌شود، لویی ناپلئون ۵/۵ میلیون رای پیروز انتخابات اعلام می‌شود اما در پی این روزها تفرقه و اختلاف سیاسی در میان تشکله‌ها و گروه‌های سیاسی افزایش می‌یابد و چون هیچ طبقه اجتماعی مسلطی در جامعه حضور ندارد، صورت‌بندی سیاسی و اجتماعی خصلتی معلق گونه‌پیدامی‌کند. همین هم به آنجا ختم می‌شود که تفرقه جمهوری خواهان موجب افزایش قدرت رئیس‌جمهور شده و لویی ناپلئون در ۲ دسامبر ۱۸۵۱ مجلس مقننه و شورای دولتی را منحل می‌کند و کودتایی نظام انجام می‌گیرد و جمهوری دوم فرانسه به شکست می‌انجامد. لویی بنایارت در ادامه حرکتی که به یم نیروی نظامی آغاز کرد از ۲ دسامبر ۱۸۵۲ خود را ناپلئون سوم امپراتور فرانسه نامید. کودتایی که به موجب نوعی رژیم سیاسی مدافع سرمایه‌داری با ویژگی‌های متفاوت از لیبرالیسم کلاسیک پدید می‌آید و مارکس از آن با عنوان «بنایار تیسیم» نام می‌برد. حکومت شکل گرفته

کار آمدن مصدق و اختلافات جریانی آن دوران بود یا آن سال‌ها که پس از دوران اصلاحات برخی احتمال وقوع دوره بنایار تیسیم را مطرح کرده‌اند و البته در سال‌های اخیر هم در آستانه انتخابات مجلس یازدهم و ریاست جمهوری سیزدهم نیز با توجه به طرح مباحثی درباره تلاش برای «یکدست‌سازی حاکمیت» و «خالص‌سازی» حرکت به سوی بنایار تیسیم از سوی چهره‌هایی مانند سعید لیلای مطرح شد اما نسبت جامعه امروزی ما با «بنایار تیسیم» و اینکه چنین ادعایی مطرح می‌شود که هرگز گاهی در جامعه ما حرکت یا تمایل به «دیکتاتور / مستبد قدرتمند» دارند چیست و آیا همانطور که در برخی اعتراضات از شعار «رضاخان روح شاد» استفاده شده، می‌توان چنین برداشت کرد که هم شرایط سیاسی و هم نگاه جامعه به سمت بنایار تیسیم حرکت می‌کند؟ در سالگرد کودتای سوم اسفند رضاخان نگاهی به رابطه بنایار تیسیم و جامعه خواهیم انداخت.

بنایار تیسیم و نظریه هجدهم برومر لویی بنایارت مارکس

«هگل در جایی، بر این نکته انگشت گذاشته است که همه رویدادها و شخصیت‌های بزرگ تاریخ جهان، به اصطلاح، دوبار به صحنه می‌آیند؛ او فراموش کرده است که اضافه کند بار اول به صورت تراژدی، بار دوم به صورت نمایش کمدی. کاسیدیر به جای دانتون، لویی بلانک در برابر روبسییر، مونتانی سال‌های ۱۸۴۸ تا ۱۸۵۱ به جای مونتانی ۱۷۹۳ تا ۱۷۹۵، برادرزاده در برابر عمو؛ و در اوضاع و احوالی که دومین روایت هجدهم برومر در آن رخ می‌دهد یا چنین مضحکه‌ای رویه‌رو هستیم». سطور مذکور بخش آغازین کتاب «هجدهم برومر لویی بنایارت» نوشته کارل مارکس است که اشاره به کودتای لویی (ناپلئون سوم) برادرزاده ناپلئون بنایارت دارد که آن را نمونه کمدی رخدادها و عملکرد ناپلئون می‌داند. (به تاریخ‌نگاری انقلابی فرانسه به ماه نوامبر، برومر اطلاق می‌شود که مربوط به ناپلئون بنایارت است) مارکس در توصیف رخداد در بخش دیگری از کتابش آورده است: «[در حالی که] دوره ۱۸۴۸ تا ۱۸۵۱، از مارکس است، جمهوریخواهی با دستکش‌های زرد که ردائی پیر را برتن کرد، گرفته تا ماجراجویی که می‌خواهد ابتداء دل‌آزار سیمای خوش را در زیر نقاب آهنین چهره مرده ناپلئون بیوشاند، چیزی جز به حرکت درآوردن شیخ انقلاب بزرگ فرانسه نبود. [بر همین اساس]، تمامی یک ملت، که گمان می‌کند از راه انقلاب نیرویی دوباره برای حرکت یافته است، ناگهان می‌پند که وی را به دوره‌ای سپری شده بازگردانده‌اند، و برای آنکه در مورد این برگشت دوباره توهمی باقی نماند، همان تواریخ و ایام، همان تقویم گذشته، همان نام‌ها، همان فرمان‌های مدت‌ها فراموش شده که فقط به درد علمای نسخه‌شناس عتیقه‌شناس، می‌خورد، و تمامی آن آجان‌های پیر و فروتوت تا مینات که سال‌ها پیش می‌بایست رقیب رحمت را سر کشیده و پوسیده باشند، همه را در برابر چشم خود می‌حاضر می‌بیند. گویی کل ملت حال آن انگلیسی دیوانه بلام‌را پیدا کرده که خود را در دوره

سعید حجار یان:
«آیا بی‌کاری،
اعتیاد، اوباش‌گری
و رجالگی در
چشم‌انداز آتی کشور
دید می‌شود یا نه
و آیا با این روندی
که پیش می‌رویم،
ارتش ذخیره بی‌کار
خواهیم داشت یا
نه؟ اگر خواهیم
داشت، پس باید
منتظر بنایارت
باشیم. بنایار تیسیم
از اشکال خفیف‌تر
فاشیسم است.»

وقوع بنایار تیسیم
دغدغ‌های که به
نظر می‌رسد بنابر
تجربیات ملی و
جهانی در پی هر
تلاش اصلاح‌ورزانه
و تحول‌خواهانه ملی
بیم بروز و ظهور آن
وجود دارد



سمیه متقی

دبیر گروه سیاسی



«حکم می‌کنم: ۱- تمامی اهالی شهر تهران باید ساکت و مطیع اوامر نظامی باشند. ۲- حکومت نظامی در شهر برقرار و از ساعت هشت بعد از ظهر غیر از افراد نظامی و مأموران انتظامی شهر کسی نباید در معابر عبور نماید. ۳- کسانی که از طرف قوای نظامی و پلیس مظنون به مخمل آسایش و انتظامات واقع شوند فوراً جلب و مجازات سخت خواهند شد. ۴- تمامی روزنامه‌جات و اوراق مطبوعه تا موقع تشکیل دولت به کلی موقوف و بر حسب حکم و اجازه‌ای که بعداً داده خواهد شد، باید منتشر شوند. ۵- اجتماعات در منازل و نقاط مختلف به کلی موقوف در معابر هم اگر بیش از سه نفر گرد هم باشند یا قوه قهریه متفرق و جلب خواهند شد. ۶- تادستور ثانوی تمام مغازه‌های مشروب‌فروشی و تئاترها و قمارخانه‌ها و کلوب‌ها تعطیل است و هرکس مست دیده شود، به محکمه نظامی جلب خواهد شد. ۷- تا زمانی که دولت تشکیل نشده است ادارات و دوایر دولتی به استثنای اداره اوراق تعطیل خواهند بود» پستخانه و تلگرافخانه و تلفن‌خانه هم مطیع این حکم خواهند بود. ۸- کسانی که در اطاعت از موارد فوق سرپیچی نمایند به محکمه نظامی جلب و به سخت‌ترین مجازات خواهند رسید. ۹- کلنل کاظم خان به‌سمت کماندانی (فرماندهی نظامی) شهر انتخاب و معین می‌شود و او مأمور اجرای مواد فوق است.» این متن دستور رضاخان با عنوان «حکم می‌کنم» است که در سوم اسفندماه ۱۲۹۹ در سطح تهران پخش شد. آن زمان که رضاخان فرمانده ۲۵۰۰ قزاقی بود که در ساعت یک بامداد از دروازه قزوین و از مسیر ری و مقبره حضرت عبدالعظیم وارد تهران شد و با کمترین مقاومت از سوی نیروهای حکومت مستقر، دولت سپهدار اعظم (فتح‌الله خان اکبر) رئیس‌الوزرا را سرنگون کرد و با تصرف بخش‌ها و سازمان‌های مهم و استراتژیک شهر، کنترل مراکز حکومتی را به دست گرفت؛ با احمدشاه وارد مذاکره شد و در جایگاه «مستبد مقتدر» دوره جدیدی در ایران رقم زد؛ دوره‌ای که در شرایط سال‌های پس از انقلاب مشروطه از نگاه برخی سرنوشت محموم ایران بود و آن دوره را همچون «هجدهم برومر لویی بنایارت» (از نگاه کارل مارکس) و ظهور «بنایار تیسیم» در آن مقطع پس از پیروزی انقلاب فرانسه اجتناب‌ناپذیر عنوان می‌کنند و از نگاه برخی دیگر نیز زورقی از اوراق تاریخ ایران است که احتمال وقوعش نه حتمی بلکه معلول تصمیمات آن روزگار بوده است. در سال‌های پیش و پس از پیروزی انقلاب در مقاطع مختلف درباره وقوع یا احتمال «بنایار تیسیم» در ایران نظرانی مطرح شده است؛ سال‌هایی که هم‌زمان با روی